

۵ روابط ایران و روسیه

مصاحبه با دکتر سید رسول موسوی*

دکتر سید رسول موسوی، مدیر کل سابق دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و سفیر ایران در فلاند، در مصاحبه‌ای که با دوماهنامه «تحولات ایران و اوراسیا» انجام داد، به بررسی زوایای گوناگون روابط ایران و روسیه پرداخته است. در این گفتگو مباحثی همچون عدم تحویل موشک‌های اس ۳۰۰، تعویق مجدد راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، شعار مرگ بر روسیه، صادرات گاز ایران به اروپا، امکان شکل‌گیری یک ائتلاف ضد هژمون بین ایران، روسیه، هند و چین و همچنین مسائل مختلف دیگری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

– روابط ایران و روسیه دارای چه ویژگی‌هایی است و اساساً این روابط از کجا می‌شود؟

روابط ایران و روسیه روابطی است که بیش از دو بیست سال به صورت مستمر وجود داشته است. بین دو کشور همیشه جنگ بوده، صلح بوده، جنگ گرم بوده، جنگ سرد بوده، اشغال نظامی بوده، فشار سیاسی بوده، قطع روابط بوده. یعنی هر نوع رابطه و تعریفی که در قاموس فرهنگ سیاسی و دیپلماسی وجود داشته باشد را می‌توان در روابط ایران و روسیه مشاهده نمود. به هر حال دو کشور همسایه هر کاری که بکنند، یک نوع رابطه با هم دارند. جنگ هم یک نوع رابطه است و عدم جنگ و صلح هم همینطور. در هر شکلی بالاخره همسایه‌ها ملزم هستند که با هم رابطه داشته باشند. پس بهتر است این رابطه یک رابطه‌ی خوب باشد. اما اینکه ما در روابطمان با روسیه چه انتظاراتی داریم، مسئله‌ای متفاوت است. مسلماً ما در چارچوب منافع خودمان حرکت می‌کنیم. همانطور که روس‌ها هم دنبال منافع خودشان هستند. منتها روابط ایران و روسیه از فصل مشترک منافع آغاز می‌شود. یعنی جایی که منافع ما و روسیه به هم می‌رسد، روابط دو کشور هم شروع می‌شود. هر مقدار فصل مشترک روابط بیشتر شود، روابط دو

کشور گرم‌تر و صمیمی‌تر می‌شود. در بحث مباحث مرزی، مبادلات اقتصادی، همکاری‌های تجاری، روابط سیاسی و همکاری‌های نظامی - دفاعی، هر دو کشور به دنبال منافع خودشان هستند و هر جا که به منافع مشترک برسیم، همکاری هم صورت می‌گیرد.

- با توجه به تحولات اخیر در روابط ایران و روسیه که برخی قرارداد موشک اس ۳۰۰ را با قرارداد ترکمن‌چای مقایسه کرده‌اند، به نظر شما عدم تحویل این موشک‌ها چه تاثیری بر روابط ایران و روسیه خواهد گذاشت؟

من فکر می‌کنم این قضیه باید کمی شکافته شود. به همین سادگی که اصطلاحاتی به کار برده شود، نیست که من بگویم این شبیه قرارداد ترکمن‌چای است یا نه. این نشان می‌دهد که کسانی که این مقایسه را انجام می‌دهند، نه قرارداد ترکمن‌چای را می‌شناسند و نه اطلاع دقیقی از قرارداد موشک‌های اس ۳۰۰ دارند. در بحث همکاری‌های سیاسی، دفاعی، نظامی و اقتصادی، آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد، انتظارات و خواسته‌های هر دو طرف است. در مورد بحث سیستم موشکی اس ۳۰۰ و نیروگاه هسته‌ای بوشهر ما باید ببینیم اولاً قراردادهای چه بوده و الان چگونه عمل می‌شود. به نظر می‌رسد که روس‌ها دارند در قراردادهای کمی تعلل می‌کنند و زمان را برای خودشان به کار می‌گیرند. اما وضعیت آنگونه نیست که اگر آنها جور دیگر تصمیم بگیرند، ما دچار مشکل شویم. فرض کنیم که روس‌ها سیستم اس ۳۰۰ را به ایران ندهند، باز هم اتفاق جدیدی نمی‌افتد. البته این حرف به این معنی نیست که ما نمی‌خواهیم موشک اس ۳۰۰ را داشته باشیم. حتی اگر به ما ندهند، سیستم دفاعی ما دچار مشکل نمی‌شود؛ اما اگر بدهند همکاری‌های ما بیشتر می‌شود. این وسط برای روس‌ها یک نکته‌ی مهم هست و آن اعتبار است. روس‌ها باید به این مسئله توجه کنند که اگر به تعهداتشان با ما عمل نکنند، اعتبارش نه تنها نزد ایرانیان، بلکه در کل دنیا زیر سوال می‌رود.

- در خصوص راه‌اندازی نیروگاه بوشهر هم روس‌ها مجدداً بهانه‌تراشی کرده‌اند. به نظر شما مسائل

فنی باعث تعویق راه‌اندازی نیروگاه بوشهر شده یا مسائل سیاسی در این امر دخیل بوده است؟

من در مورد مسائل فنی نمی‌توانم صحبتی کنم. چون کارشناس مسائل فنی نیستم. اما باید به این نکته اشاره کنم که پیشداوری‌ها موجب ایجاد انتظارات زیادی در داخل شده است. رسانه‌های ایرانی در مورد راه‌اندازی نیروگاه بوشهر تبلیغات زیادی کرده‌اند و این تبلیغات انتظارات زیادی بین مردم به وجود آورده است. ضمن آنکه روس‌ها هم در انجام تعهداتشان تعلل می‌کنند و با زمان بازی می‌کنند. بنابراین هم رسانه‌ها انتظارات زیادی ایجاد کرده‌اند و هم روس‌ها در انجام تعهداتشان کم کاری می‌کنند. روس‌ها به دلیل منافعتشان با زمان بازی می‌کنند. روس‌ها ایران را در بحث غنی‌سازی، رقیب آینده‌ی خود می‌دانند.

روس‌ها تمایل دارند ایران غنی‌سازی نداشته باشد و همچنان صرفاً خریدار سوخت از روسیه باشد. آنها حاضرند اگر ایران فقط خریدار سوخت باشد، هر نوع نیروگاه را به ایران بدهند. اما خریدن نیروگاه و وارد کردن سوخت، فقط نفع استراتژیک فروشنده را در بر دارد. مثل اینکه یک کشوری بگوید که من اتومبیل می‌خرم و بعداً ساخت و سوخت آن را به دست می‌آورم. در این صورت کمتر مایل هستند به آن کشور اتومبیل بفروشند. این به نفع کشور فروشنده است. بنابراین یکی از دلایلی که روس‌ها تعلل دارند، این است که می‌خواهند ایران فقط خریدار سوخت باشد و خودش نتواند به تولید سوخت بپردازد. در واقع روس‌ها می‌خواهند فقط فروشنده‌ی سوخت به ایران باشند.

- در خصوص مسائل هسته‌ای، روس‌ها اعلام کرده‌اند که اگر توافقی میان ایران و گروه ۵+۱ صورت نگیرد، به همراهی غرب در سیاست تحریم علیه تهران خواهند پرداخت. به نظر شما این موضع‌گیری مقامات کرملین تنها یک تهدید بوده یا اینکه آنها واقعا در تحریم‌ها علیه ایران مشارکت خواهند کرد؟

اصلاً آینده را که نمی‌توان پیشگویی کرد. برنامه‌ی هسته‌ای ایران راه طویلی را طی کرده و قرار نیست با این هزینه‌هایی که تا کنون پرداخته، حالا از حق خودش بگذرد. ایران بر اساس معاهده‌ی ان.پی.تی حق دارد که سوخت هسته‌ای در داخل کشور تولید کند. حتی اگر روس‌ها هم تهدید بکنند، باز هم دلیلی ندارد که ایران عقب‌نشینی کند. منتها ایران باب مذاکره را درباره این موضوع باز گذاشته و با احتیاط هم حرکت می‌کند. تا به حال هم روس‌ها پا به پای آمریکایی‌ها و غربی‌ها پای قطعنامه‌ها بر علیه ایران را امضا کرده‌اند. در گذشته این کار را کرده‌اند و در آینده هم امکان دارد این کار را بکنند. اما همانطور که ایران در گذشته برنامه‌های خود را ادامه داده، از این پس هم ادامه خواهد داد.

- در برابر کارشکنی‌های روس‌ها در خصوص عدم تحویل موشک‌های اس ۳۰۰ و تعویق مجدد راه اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر، جمهوری اسلامی ایران از چه ابزارها و اهرم‌هایی برای فشار بر روسیه برخوردار است؟

در صحنه‌ی بین‌المللی، ضامن اجرای قراردادهای خود دولت‌ها هستند. مسلماً پشتوانه‌ی همه‌ی قراردادهای دولت‌ها هستند. همیشه ممکن است بخشی از همه‌ی قراردادهای اجرا شود و بخشی دیگر اجرا نشود. الان روس‌ها یک نیروگاه هسته‌ای را شروع کرده‌اند و ۱۵ سال است که موفق به اتمام آن نشده‌اند. این فقط مختص به ایران نیست. هر کشوری که بخواهد با روس‌ها قرارداد امضا کند، همین مسئله را خواهد داشت. مثل یک تولیدکننده‌ای که اگر تولیدش را خراب کند، مشتریانش را از دست خواهد داد. اگر

روس‌ها به قراردادهای خود پایبند نباشند، اینگونه نیست که فقط طرف مقابل ضرر کند، آنها هم اعتبار خودشان را از دست می‌دهند. روس‌ها پس از انفجار نیروگاه چرنوبیل، اعتبار خود را از دست دادند و حالا فرصتی پیش آمده که با ساختن یک نیروگاه مدرن، یک بار دیگر اعتبار خود را بدست آورند. برای این کار روس‌ها باید نیروگاه بوشهر را تمام کنند و نشان دهند که توانمند هستند. اینطور نیست که فقط ما از عدم راه‌اندازی نیروگاه بوشهر ضرر کنیم. به عنوان مثال در حال حاضر باید دید که چند کشور با فرانسوی‌ها قرارداد دارند و چند کشور با روس‌ها.

- به عقیده‌ی شما بحث صادرات گاز ایران به اروپا می‌تواند به عنوان ابزار و اهرم فشاری بر روسیه عمل کند؟

بحث صادرات گاز را قبول دارم. نظر مثبتی هم هست و شاید روس‌ها هم ناراحت شوند. ولی گاز نیاز به سرمایه و خط لوله دارد. برای تاسیسات انتقال گاز، فقط کشور فروشنده نمی‌تواند اقدام کند. کشورهای خریدار هم باید در سرمایه‌گذاری و ساخت لوله مشارکت داشته باشند. بنابراین اگر امروز هم تصمیم به صادرات گاز بگیریم، باز هم باید صبر کنیم تا تاسیسات خط لوله برقرار شود. بنابراین اول باید سرمایه‌گذاری شود و خط لوله احداث شود. ایران در این زمینه‌ها تا کنون ریزنی‌های زیادی کرده است. اتفاقی که دارد می‌افتد، این است که در خصوص خط لوله نابوکو، سرمایه‌گذاری‌ها دارد انجام می‌شود، اما معلوم نیست گاز این خط از کجا تامین خواهد شد. ظاهراً در آینده ایران و این خط لوله به هم می‌رسند. یعنی آنها خط لوله را می‌سازند و ایران هم گاز را تامین می‌کند. اما این ایده صرفاً در رقابت با روسیه معنی نمی‌دهد. ایران باید به بهترین نحو ممکن از گاز خود استفاده کند.

- شعار مرگ بر روسیه که بعد از انتخابات ریاست جمهوری توسط مخالفان رئیس دولت دهم سر داده می‌شود، چه تاثیری بر روابط ایران و روسیه خواهد گذاشت؟

من نمی‌دانم این سوال چقدر مبنای تحلیلی دارد. بیشتر به نظر می‌آید که این شعار به صحنه‌ی رقابت داخلی برمی‌گردد و نه سیاست خارجی. در واقع پشتوانه‌ی تحلیلی برای یک دیدگاه سیاست خارجی ندارد. من خیلی این شعار را جدی نمی‌گیرم. یک طرف می‌خواهد بگوید مرگ بر آمریکا و یک طرف می‌خواهد بگوید مرگ بر روسیه. اساساً شعار اصل انقلاب، شعار مرگ بر استکبار بوده است.

- اما افرادی که این شعار را می‌دهند، معتقدند که دولت روسیه از دولت آقای احمدی‌نژاد حمایت می‌کند؟

من چنین پشتیبانی‌ای نمی‌بینم. دولت احمدی‌نژاد در سیاست خارجی، استقلال دارد و بر اساس اصول انقلاب حرکت می‌کند. اساساً سیاست خارجی ایران جایگاه جدایی از گرایش‌های حزبی و داخلی دارد.

سیاست خارجی مثل سیاست دفاعی یک کشور است و نمی‌تواند ناشی از سیاست‌های حزبی یک کشور باشد. من اساساً با سیاست مرگ مخالف هستم و این شعار هم برمی‌گردد به مردمی که در عرصه رقابت‌های انتخاباتی شرکت می‌کنند. انقلاب اسلامی دارای ماهیت ظلم‌ستیز و استکبارستیز است و با شعار نه شرقی نه غربی پیروز شده و همچنان ماهیت خود را حفظ کرده است. من معتقدم نه آمریکا از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کند و نه روسیه از آقای احمدی‌نژاد.

- در روسیه دیدگاهی وجود دارد که درست بر عکس مخالفان رئیس دولت دهم در ایران است. بر اساس این دیدگاه برخی در روسیه معتقدند که این ایران است که روسیه را در برابر غرب بازی می‌دهد. افرادی که به این دیدگاه معتقد هستند، باور دارند که ایران می‌خواهد روسیه را در برابر غرب بگذارد. جناب عالی این دیدگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در روسیه دیدگاه‌های مختلفی درباره سیاست خارجی وجود دارد، اما تمام آنها دنبال منافع خودشان هستند. آنها حاضرند نه با کارت ایران، بلکه با کارت همه بازی کنند. ما هم اگر بتوانیم این کار را می‌کنیم. به طور کلی ایران قدرتمند به نفع روسیه است. اما عده‌ای هم در روسیه هستند که خلاف این را قبول دارند. به هر حال یک ایران امن و قدرتمند، مرزهای جنوبی روسیه را امن نگه داشته است. پس به نفع روسیه است که ایران هم امن و هم قدرتمند باشد.

- دیدگاه منفی دیگری هم بین روس‌ها وجود دارد. برخی در روسیه معتقدند که ایران ذاتاً یک کشور غربی است. این عده به دوران جنگ سرد اشاره می‌کنند که ایران متحد غرب به شمار می‌آمد. بر اساس این دیدگاه اگر رابطه‌ی ایران با غرب بهبود یابد، آنگاه روابط ایران با روسیه هم تحت الشعاع قرار می‌گیرد. نظر شما در خصوص این نگاه منفی که بین روس‌ها وجود دارد، چیست؟

من این دیدگاه را قبول ندارم. ایران در هر شکلی سیاست خارجی مستقلی دارد. نه در بست حرف روس‌ها را می‌پذیرد و نه قصد دارد روابط خود را با همسایگانش خراب کند. اینها مطالبی است که مطرح می‌شود، اما در صحنه‌ی واقعیت پیدا نمی‌شود. مسلماً اگر روس‌ها بخواهند منافع ما را نادیده بگیرند، ما هم مجبوریم گزینه‌های دیگری را انتخاب کنیم. ولی نه به نفع آنهاست که ما را نادیده بگیرند و نه به نفع ماست که همسایه‌ی قدرتمندی همچون روسیه را نادیده بگیریم.

- آیا در دستگاه سیاست خارجی ایران تا به حال به مسئله‌ی ائتلاف ایران با کشورهای مثل روسیه، چین و هند که هر یک به نحوی با آمریکا در تعارض هستند، توجهی شده است؟ در واقع آیا ایران در پی برقراری یک ائتلاف ضد هژمون با این کشورها برآمده یا خیر؟

بحث ضد هژمون با یک نظام چندقطبی متفاوت است. روس‌ها و چینی‌ها مایل نیستند همراه با ایران علیه غرب موضع بگیرند. همین مسئله باعث شده که عضویت ایران در سازمان شانگهای به تاخیر بیافتد. پس در این بخش که مایل نیستند با ایران بر ضد آمریکا موضع یکسانی اتخاذ کنند، شکی نیست. اما در اینکه آمریکا و جهان تک قطبی وجود نداشته باشد، آنها موافق هستند. در واقع آنها نمی‌خواهند یک جنگ دائمی با آمریکا داشته باشند و در یک جبهه‌ی ضد هژمون قرار داشته باشند. اما به یک جهان چندقطبی اعتقاد دارند و در این راه همراه ایران هستند.

- در مجموع به نظر شما ایران از چه اهمیتی در سیاست خارجی روسیه برخوردار است و دیدگاه نهایی روس‌ها نسبت به ایران چگونه خواهد بود؟

روس‌ها می‌دانند که اگر بخواهند قدرتمند شوند، باید با خاورمیانه و منابع انرژی ارتباط نزدیکی داشته باشند. روس‌ها اگر می‌خواهند در نظام جهانی حرفی برای زدن داشته باشند، باید ارتباط خود را با کشورهای مثل ایران، افغانستان، پاکستان و کشورهای خلیج فارس افزایش دهند. ایران مهمترین همراه روسیه در یک نظام جهانی چندقطبی است. نزدیکی به ایران می‌تواند روس‌ها را قدرتمند کند و روس‌ها باید این مسئله را درک بکنند.

* مدیرکل سابق دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و سفیر ایران در فنلاند